

نوع مقاله: ترویجی


بررسی تحلیلی آغاز ورود مسیحیت کاتولیک در آمریکای لاتین (۱۴۹۲-۱۵۵۱م)

سیدمحمد رضا میریوسفی / دانشجوی دکترای عرفان و ادیان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

abasehosyen@yahoo.com  orcid.org/0000-0002-0666-8349

سیدحسن حسینی امینی / دانش‌آموخته حوزه علمیه قم

دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۵ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

چکیده

آمریکای لاتین پرجمعیت‌ترین منطقه مسیحی‌نشین دنیاست. حیات اجتماعی در آمریکای لاتین قبل از ورود مسیحیت، هزاران سال سابقه تاریخی داشته است. تمدن‌های بزرگی مانند المکاها و ایستکها قبل از میلاد مسیح در این مناطق شکل گرفته‌اند. مسیحیت در قرن ۱۵ با ورود فاتحان، وارد منطقه آمریکای لاتین شد. مسیحیت کاتولیک از آغاز ورود تا به امروز، دوره‌های مختلف (ورود و مسیحی‌سازی، تثبیت و تضعیف) را پشت سر گذاشته است. ما در این تحقیق به مسئله آغاز ورود مسیحیت کاتولیک در آمریکای لاتین می‌پردازیم. از بین رفتن تمدن سرخ‌پوستی توسط فاتحان، تبلیغ گسترده مبلغان و تطبیق دادن اعتقادات مسیحی با باورهای بومی و سرخ‌پوستی سه عامل مهم در مسیحی‌سازی آنها می‌توان برشمرد. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق، کتابخانه‌ای و با استفاده از اسناد نوشتاری انجام شده است و روش داده‌پردازی اطاعات توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: مسیحیت، سرخ‌پوستان، کاتولیک اسپانیایی، آمریکای لاتین.

مقدمه

آمریکای لاتین (America Latino) بیش از یک میلیارد جمعیت دارد که پرجمعیت‌ترین منطقه مسیحی‌نشین دنیاست. ۹۰ درصد جمعیت آن را مسیحیان تشکیل داده‌اند. مسیحیت ۵۰۰ سال سابقه حضور در این قاره را دارد. به مناطق اسپانیولی زبان این قاره «آمریکای لاتین» می‌گویند؛ که شامل ۳۰ کشور می‌شود. بیشترین مسیحیان آمریکای لاتین کاتولیک هستند.

دوره‌های حیات مسیحیت کاتولیک در آمریکای لاتین را می‌توان به سه دوره ورود مسیحیت به آمریکای لاتین و مسیحی‌سازی بومیان، دوره تثبیت مسیحیت کاتولیک و دوره تضعیف مسیحیت کاتولیک تقسیم کرد. مسیحیت بعد از ورودش به قرن پانزدهم، توانست بعد از چند دهه بر اکثر مناطق آمریکای لاتین حاکم شود. این درحالی بود که تمدن‌های بومی منطقه آمریکای لاتین، تاریخی چند هزارساله داشتند. علی‌رغم تفسیر غلطی که برخی از تاریخ‌نویسان اروپایی از آمریکای لاتین ارائه دادند، این منطقه مهد تمدن‌های بزرگ و پیشرفته‌ای بوده است. مذهب، هنر، معماری و صنعت، شاخصه مشترک این تمدن‌های بومی بوده است. سنت‌ها و باورهای بومی در حیات اجتماعی آنها نهادینه بوده است.

سؤال‌های اصلی و فرعی این پژوهش این است که ورود مسیحیت کاتولیک از اسپانیا به آمریکای لاتین چگونه اتفاق افتاد؟ چه علل و عواملی باعث مسیحی شدن بومیان شد؟ آیا بومیان از باورهای سنتی خود عبور کردند یا به تفسیری مسیحی از باورهای خود رسیدند؟ تحلیلی از تاریخ کلیسای کاتولیک و ارائه سیر کلی از تاریخ کلیسای کاتولیک رومی در دوره استعمار، بسیار مشکل است. برخی از پژوهشگران تاریخ کلیسای کاتولیک، مانند ریچارد گرین لیف (کلیسای کاتولیک روم، ۱۹۷۱، ص ۱) به این دشواری اذعان کرده‌اند.

مطالعات آمریکای لاتین علی‌الخصوص مطالعات کلیسای کاتولیک و اونجلیک برای ما به دو جهت بسیار اهمیت دارد؛ جهت اول، ضرورت شناخت مسیحیت با هدف گسترش روابط سیاسی است. نوع مردم آمریکای لاتین به علت داشتن روحیه‌های دینی، انقلابی و ضداستعماری علاقه‌مند به ایجاد ارتباط با جمهوری اسلامی هستند. با گذشت چهار دهه از شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، جنبه‌های مثبت این جریان در عرصه بین‌الملل، خصوصاً در آمریکای لاتین، بیشتر آشکار شده است. جریان‌های الهیات رهایی‌بخش که دغدغه

اصلی آنها مبارزه با فقر و فساد بوده است، در ابتدای امر، با ادبیات مارکسیستی، نهضت خود را در آمریکای لاتین شکل دادند؛ ولی امروز برای برخی از اندیشمندان آنها، تفکر جمهوری اسلامی به‌عنوان یک ادبیات مبارزه جایگزین، مورد پذیرش قرار گرفته است. جهت دوم، ضرورت شناخت مسیحیت با هدف تبلیغ اسلام است.

مطالعه اسلام برای مردم آمریکای لاتین به دلایل متعدد، جذاب و جالب است؛ که برخی از آن علل عبارتند از: الف) تبلیغات زیاد علیه اسلام باعث تحریک ذهن اندیشمندان و برخی از جوانان مسیحی آمریکای لاتین شده است؛ به همین علت می‌خواهند بدانند که اسلام چه دینی است که این‌گونه آمریکا را به ترس واداشته است؛ ب) جامعیت دین اسلام در ابعاد مختلف؛ ج) مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا.

دانشگاه‌های کاتولیک در کشورهای آمریکای لاتین علاقه‌مند به شناخت اسلام و گسترش ارتباطات با مرکز دینی ایران هستند. نخستین گام برای شکل دادن این گفت‌وگوی سازنده بین مجامع علمی اسلام و مسیحیت در آمریکای لاتین، شناخت درست واقعیت‌های مذهبی و فرهنگی و تاریخی آمریکای لاتین است.

با توجه به جدیدالعهد بودن زبان اسپانیایی برای محققان ادیان، مطالعات ادیبانی به‌صورت عام و مطالعات مسیحیت کاتولیک در آمریکای لاتین به صورت خاص، مورد توجه قرار نگرفته است. به همین سبب، منابع پژوهشی فارسی در این زمینه بسیار محدود است. به این عنوان هیچ مقاله و یا کتابی به زبان فارسی منتشر نشده است. البته در برخی از آثار فارسی که در زمینه آمریکای لاتین نوشته شده، به‌صورت ضمنی به این دوره اشاره شده است.

کتاب‌های زیادی توسط تاریخ‌نگاران برجسته آمریکای لاتین به زبان اسپانیولی و پرتغالی در حوزه تاریخ کلیسای کاتولیک و تاریخ آمریکای لاتین نوشته شده است؛ که برخی از آنها به زبان فرانسوی و انگلیسی ترجمه شده‌اند. از جمله آنها مجموعه مقالات استادان تاریخ آمریکای لاتین در دانشگاه‌های اسپانیا درباره تاریخ کلیسا در آمریکای لاتین در سال ۱۹۹۱م با عنوان *تاریخ کلیسای کاتولیک در آمریکای لاتین و فیلیپین* با اشراف پدرو بورخس چاپ شده است. اثر معروف دیگر می‌توان به کتاب *تاریخ عمومی کلیسا در آمریکای لاتین* نوشته کشیش الهیات رهایی‌بخش *انریک داسل* اشاره کرد که به‌صورت مفصل به این مسئله پرداخته است.

۱. اعتقادات بومیان قبل از ورود فاتحان

برخی از تاریخ‌نگاران معتقدند که تصویر منفی و غیرواقعی از بومیان توسط فاتحان اسپانیایی به جهان ارائه شد؛ درحالی‌که واقعیت این است که پیش از ورود فاتحان، اعتقادات و فرهنگ عمیقی در این مناطق حاکم بوده است. در برخی از مناطق، افزون بر فرهنگ شهرنشینی و وجود خط ویژه، هنر و علمی مانند نجوم و معماری بسیار رونق داشته است (ماداریاگا، ۱۹۴۸، ص ۴۷-۴۸). در حقیقت همین زمینه فرهنگی و تمدنی بود که بومیان، دین و پیام الهی مسیحیت را به‌عنوان جزئی از مرام و فرهنگ خود پذیرفتند.

مورخ برجسته آمریکایی درباره اعتقاد قبایل سرخ‌پوست به خداوند، می‌نویسد: «یک واقعیت غیرقابل انکار درباره قبایل مختلف سرخ‌پوست آمریکای لاتین این است که بیشتر قبایل بومی - اگر نگوییم همه آنها - با وجود اختلافات گسترده‌ای که در اعتقادات و آداب و رسوم دینی دارند، به این اعتقاد رسیده بودند که جهان خالقی دارد که غیرمادی، غیرقابل رؤیت، حاضر در همه‌جا، نامحدود و بی‌نهایت است» (روبرتسون، ۱۸۲۷، ص ۱۷۸). اقوام بزرگ و کوچک در آمریکای لاتین را می‌توان از ابعاد مختلف (جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، سیاست‌ورزی، فرهنگی، علمی و...) مورد بررسی قرار داد. اما نگاه ما در این مقاله فقط به جنبه‌های اعتقادی و سلوک دینی اقوام است؛ به‌همین علت به جنبه‌های دیگر تمدن‌ها نمی‌پردازیم.

۲-۱. باورهای قوم مایا (los mayos)

قلمرو قوم مایا منطقه «یوکاتان»، یعنی گوآتمالا، السالوادور و هندوراس را شامل می‌شد (ماداریاگا، ۱۹۴۸، ص ۴۷-۴۸). می‌توان برخی از باورهای دینی قوم مایا را در چند جمله چنین خلاصه کرد: - باور به خدایان متعدد: برای هر خدا یک نقش خاصی در تدبیر عالم هستی قائل بودند؛ باور به ربوبیت خدایان متعدد، آنها را به‌سمت آداب و مناسک خاصی در جهت راضی کردن خدایان سوق می‌داد. - باور به جهان بعد از مرگ: البته نوع نگاه آنها به جهان بعد از مرگ، نگاه تناسخی است (هنری، ۱۹۶۴، ص ۷۱-۷۲).

- اعتقاد به دوگانگی مبدأ خیر و شر: البته مشخص نیست که این مبدأ شر آیا خود مخلوق بوده یا خیر؟ (بندیکو، ۱۹۳۱، ص ۳۹). - ضرورت انجام مناسک مذهبی: براساس عقاید مایا، عمل به مناسک مذهبی مانند اهدای غذا به خدایان و یا قربانی کردن حیوان و یا انسان‌ها برای رضایت خدایان یک امر ضروری بود و ترک آنها گناهی نابخشودنی محسوب می‌شد (هنری، ۱۹۶۴، ص ۷۳).

۲-۲. باورهای قوم آزتک (los Aztecas)

جغرافیای زندگی این قوم، مکزیک بوده است. برخی از باورهای مذهبی این قوم عبارتند از:

- اعتقاد به دو مبدأ خیر و شر: ایشان معتقد بودند که باید رضایت خدایان خیر را به‌دست آورد، تا خدایان خیر در دفع نیروی‌های شر به آنها کمک کنند (ولنت، ۱۹۴۴، ص ۲۸).

- باور به جهان بعد از مرگ: انسان بعد از مرگ با الهه مرگ روبه‌رو می‌شود؛ اگر توانست از آزمون‌های الهه مرگ با موفقیت بیرون بیاید، آزاد می‌شود و نزد الهه مرگ خواهد رفت. آنها معتقدند که تنها سه گروه بدون آزمایش پیش الهه مرگ می‌روند: الف) زنی که در زایمان مرده است؛ ب) جنگجویی که در میدان نبرد کشته شده است؛ ج) انسانی که در راه خدا قربانی شده باشد.

- اعتقاد به منجی آخرالزمان: باورشان این است که خدای تمدن «کسالکو آتل» (Quetzalcóatl) به‌شکل مردی سفیدپوست و ریش‌دار در شرق ناپدید می‌شود و در آخرالزمان از سوی مشرق، دریا پدیدار خواهد شد و تمدنی جدید را ایجاد خواهد کرد (پرسکوت، ۱۰۶۴، ص ۴۸).

- ایجاد طبقه روحانیون: مسئله تعلیم و تربیت یکی از مسائل مهم برای حفظ نظم و اجتماع بوده است. روحانیون برجسته در معابد این وظیفه را بر عهده داشتند (ولنت، ۱۹۴۴، ص ۲۲۰).

- قربانی کردن در برابر خدای خورشید: باورشان این بود که خورشید بعد از غروبش برای طلوع کردن نیاز به تغذیه دارد. تغذیه خورشید خون و گوشت دشمنان آزتک است (سوسترا، ۱۹۵۶، ص ۱۰۳). یکی از روش‌های مرسوم قربانی این بوده که قلب قربانی بعد از بالا بردن قربانی بر معبد، توسط کاهن اعظم با یک خنجر از بدن او خارج می‌شد و به مجسمه خدایان مالیده می‌شد، تا خدایان از خون و گوشت آن استفاده کنند (البرتو پابلو، ۱۹۹۲، ص ۳۰-۳۲).

۲-۳. باورهای قوم اینکا (los Incas)

قلمرو زندگی این قوم پرو، مناطق کوه‌های آند در آمریکای جنوبی (شامل بولیوی و اکوادور)، و اعتقادات این قوم متفاوت از بقیه اقوام بوده است. برخی از باورهای این قوم عبارتند از:

- داشتن مقام ویژه در نزد خدای خورشید: این قوم برای خود نوعی مقام ویژه در نزد خدایان قائل بودند. خود را فرزند «سپای اینکا» (incaera-sapay) که فرزند اصلی خدای خورشید بود، می‌دانستند و

(بریو گوزالو، ۲۰۱۰، ص ۲۵۶). پس از فتح گرانادا توسط فرناندو (Fernando)، کریستف کلمب به کمک راهبان درباری با ملکه ایسابل (Isabel) دیدار کرد و از ملکه برای اجرا شدن طرحش کمک خواست. ملکه از طرح سفر به هند از راه گذر از اقیانوس اطلس حمایت کرد و قول تأمین منابع مالی را به کریستف کلمب داد (ادوارد، ۲۰۰۵، ص ۱۲۰). قطعاً حمایت ملکه، دلیل بر عزم و اراده پادشاهان کاتولیک برای کشورگشایی بیشتر بوده است. قراردادی بین پادشاه اسپانیا فرناندو و کریستف کلمب در ۱۷ آوریل سال ۱۴۹۲ در منطقه سانتافه (santa Fe) امضاء شد. نقش راهبان فرانسیسکن، مانند خوان پیرس در دربار و اعمال نفوذ آنها در تصویب طرح فتح جدید، به کلیسای کاتولیک فرصت همراهی با سفرهای اکتشافی را داد. به همین دلیل می‌بینیم که نخستین مبلغان مسیحی با اولین فاتحان به آمریکای لاتین وارد شدند (انتونینو، ۱۹۹۱، ص ۱۳۳-۱۳۴).

فاتحان اسپانیایی در دورانی وارد آمریکای لاتین شدند که در اروپا جریان اصلاحات آغاز شده بود (تورویسو، ۱۹۹۵، ص ۸۹). کلیسای کاتولیک به پادشاهان مشروعیت می‌داد و پادشاهان کاتولیک زمینه‌های توسعه کلیسای کاتولیک در جهان را فراهم می‌کردند (الخندرو، ۱۹۸۷، ص ۱۳۴-۲۳۰). پادشاه اسپانیا نقش مهمی در به قدرت رسیدن پاپ الکساندر ششم داشت؛ به همین علت پاپ عامل اصلی قدرت و حمایت مردمی پادشاه در فتوحات آمریکای لاتین بود (همان، ص ۱۲۵).

پادشاه اسپانیا مبلغان مسیحی را با حمایت مالی و سیاسی خود، به مناطق فتح شده اعزام می‌کرد. از ابتدای قرن شانزدهم، همراه هر کشتی اسپانیایی چندین گروه از مبلغان مسیحی وجود داشتند (هنری، ۱۸۹۷، ص ۲۶). نخستین مبلغان مسیحی در سال ۱۴۹۲م مبلغان فرانسیسکنی بودند که وارد مناطق فتح شده شدند (ادوارد، ۱۹۹۴، ج ۱، ص ۱۸۲-۱۸۳). کریستف کلمب خود را «کرسئوس فرنر» (Christus Ferens) یعنی پیام‌آور مسیح برای سرخ‌پوستان می‌دانست. فاتحان اسپانیایی خود را محقق‌کننده اراده الهی در مسیحی کردن سرخ‌پوستان این منطقه می‌دانستند. این نگاه به مسئله فتح آمریکای لاتین، انگیزه مبلغان مسیحی جهت تحمل سختی‌ها را بالا برد؛ به همین علت می‌توان جلوه‌هایی از ایشار و گذشت از مبلغان مسیحی در این مناطق نظاره کرد که در تاریخ تبلیغ مسیحیت بی‌نظیر است (انتونینو، ۱۹۹۲، ص ۱۶-۱۸). مسیحیت‌سازی سرخ‌پوستان توسط فاتحان و مبلغان مسیحی

معتقد بودند که خدای خورشید استمرار تمدن اینکا را تضمین کرده است. - اعتقاد به خدای هستی‌بخش: براساس باور این قوم، ذات خدای هستی‌بخش کاملاً ناشناخته است. این خدای هستی‌بخش خدایی مؤنث که «پاچاکامک» (pachacamac) نامیده می‌شده است. - اعتقاد به دو مبدأ خیر و شر: اعتقاد به خدای شر و نجات از بدی‌های آن، زمینه آداب و مناسک قربانی را در این قوم به وجود آورده است (پابلو البرتو، ۱۹۹۲، ص ۵۸-۵۹).

- اعتقاد به جهان پس از مرگ: افراد مذهبی نزد خورشید می‌روند درحالی که افراد گناهکار در مکانی خاص عذاب می‌شوند (فردریچ، ۲۰۰۴، ص ۳۰۱-۳۰۳).

- دعا کردن: در روش دعا کردن، خود را به زمین می‌انداختند و دست‌ها را بلند می‌کردند و خواسته خود را از خدایان طلب می‌کردند. - هدیه به معابد و خدایان و قربانی کردن انسان.

- امساک کردن از برخی خوردنی‌ها و دوری از برخی از افعال: در این عمل، از گوشت و لفل و رابطه جنسی دوری می‌کردند. - برگزاری جشن و آواز همگانی.

- اعتراف نزد کاهن به گناهان: گناهان اصلی در نزد این قوم، زنا، دزدی و خیانت بوده است. - شستن کودکان در هنگام تولد در رودخانه‌ها (پابلو البیرتو، ۱۹۹۲، ص ۶۶-۷۰).

نکته پایانی اینکه در آمریکای لاتین علاوه بر تمدن‌های کوچک، سه تمدن اصلی «آزتک»، «مایا» و «اینکا» وجود داشت، که علاوه بر ویژگی‌های مشترک، از شاخصه‌ها و ویژگی مخصوص به خود برخوردار بودند.

اعتقاد به غیب و خالق و اعتقاد به جهان پس از مرگ (دیپرو، ۱۹۹۲، ص ۹۸)، طبیعت‌باوری، چندخدایی، آیین قربانی کردن، از اعتقادات مشترک این تمدن‌هاست (ویلیام هیکلینگ، ۱۸۷۷، ص ۸۸).

۲. ورود مسیحیت کاتولیک به آمریکای لاتین (۱۴۹۲-۱۵۱۹م)

پادشاهان اسپانیا پس از پیروزی بر مسلمانان و غلبه بر اندلس، به فکر گسترش فتوحات خود در سراسر دنیا افتادند. پاپ‌ها پادشاهان کاتولیکی اسپانیا را متحدان خود می‌دانستند و به همین علت اختیارات زیادی در زمینه اداره و گسترش کلیساها در سراسر دنیا به آنها می‌دادند

شهرهای جدیدی را به روش معماری اسپانیایی‌ها در آن مناطق می‌ساختند. هر شهر کلیسا، صومعه، مدرسه و دارالحکومه داشت. در مدارس راهبان اصول کشاورزی، انواع صنایع و حرفه‌ها و امور دینی و آداب اروپایی را به بومیان یاد می‌دادند (الدر، ۱۳۴۹، ص ۳۲-۳۰).

۳. عوامل مؤثر در مسیحی‌سازی سرخ‌پوستان

تاریخ‌نگاران عوامل زیادی را در مسیحی‌سازی سرخ‌پوستان و بومیان آمریکای لاتین مؤثر می‌دانند. برخی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در فرایند مسیحی‌سازی سرخ‌پوستان عبارتند از:

الف. از بین رفتن تمدن سرخ‌پوستی توسط فاتحان

مسیحیت به‌صورت قهری بر بومیان منطقه آمریکای لاتین تحمیل شد. به‌همین علت، بومیان از ترس کشته‌شدن، مسیحیت را پذیرفتند؛ ولی در باطن به سنت‌های بومی خود ایمان داشتند (پندل، ۱۳۵۷، ص ۳۹) و سعی می‌کردند پنهانی آیین‌های عبادی خود را انجام دهند. مبلغان مسیحی بعد از مسیحی‌سازی، تلاش‌های فراوانی انجام دادند تا زمینه‌های عملی مناسک بومی را از بین ببرند. در اولین اقدام خود، سعی کردند زبان محلی که در واقع زبان مراسمات مذهبی آنها بود را ممنوع کنند. کارلوس دوم در ۱۶۹۶م فرمان ممنوعیت استفاده از زبان‌های بومی را صادر کرد و زبان اسپانیولی را تنها زبان رسمی این مناطق اعلام کرد (اربرتو، ۱۹۹۲، ص ۲۸۳). در اقدامی دیگر، فاتحان به دستور مبلغان، معابد بومیان را نابود کردند و بت‌های مقدس آنها را شکستند و در مکان معابد کلیسا ساختند. ولی اقدامی که ضربه اساسی به باورهای بومی و قومی آن منطقه زد، این بود که آنها کتابخانه‌های سرخ‌پوستان و بومیان را آتش زدند. کتاب‌های مذهبی را از بین بردند و خواندن کتاب‌های مذهبی بومی را ممنوع کردند. یکی از این موارد این بود که به دستور خوان سومارکا (Juan de Zumárraga) نماینده پاپ، کتابخانه آزتک‌ها در مکزیک سوزانده شد (اُروسا دیاز، ۱۹۸۴، ص ۱۷۶). شاید در سال‌های اولیه فتح، این اقدامات به‌علت معهود بودن باورهای بومی در ذهن و جان بومیان، اثر چندان خاصی بر باورهای سرخ‌پوستی و بومی نمی‌گذاشت؛ اما طبیعی بود که در گستره زمان، فاصله بین نسل‌های جدید بومیان و سنت‌های اصیل بومی را زیاد می‌کرد. اما با وجود همه کارهای سلبی و مبارزاتی مبلغان و فاتحان بر علیه سنت‌های

براساس روش خاصی انجام می‌گرفت. بومیان به اجبار و از روی اکراه وادار می‌شدند که در مراسم مسیحی‌سازی شرکت کنند. به نیت غسل تعمید در دسته‌های چند هزار نفری وارد رودخانه‌ها و دریاچه‌ها می‌شدند (پندل، ۱۳۵۷، ص ۳۴).

در بین مبلغان، دو نظر در روش مسیحی‌سازی بومیان و سرخ‌پوستان وجود داشت؛ گروهی معتقد بودند که باید با روش سخت با آنها برخورد کرد. طبق این دیدگاه، سرخ‌پوستان موجوداتی ذاتاً بی‌ارزش، کثیف، خبیث، ترسو بودند که قدرت ایمان به مسیح را نداشتند (گراندر، ۱۸۵۵، ص ۵۱۳-۵۱۴). بنابراین این گروه بر این باور بودند که باید با ویران کردن معابد و نمادهای بت‌پرستی، آنها را وادار به ورود به آیین مسیحیت کرد و در صورت مقاومت، آنان را مجازات کرد (فرانسیسکو، ۱۹۹۲، ص ۲۳۰)؛ گروه دیگر رویکردی اخلاق‌محور داشتند. این گروه که غالباً دومینیکن و ژوزویت بودند؛ بر این باور بودند که بومیان این منطقه در مسئله عقل و زمینه‌های ایمان‌گرایی، هیچ فرقی با اروپایی‌ها ندارند. بنابراین باید با روش‌های اخلاقی و معنوی، زمینه جذب آنها را به مسیحیت فراهم کرد (همان، ص ۲۲۸-۲۳۵). اما رویکرد غالب فاتحان رویکرد خشن و سخت بود. اسپانیایی‌ها خود را مالک مناطق فتح‌شده و بومیان را انسان‌هایی پست و دارای عقاید فاسدی می‌دانستند. به‌همین علت به محض تسلیم نشدن آنها را قتل‌عام می‌کردند. برای توجیه شرعی کشتار سرخ‌پوستان قطع‌نامه «رکریمنتو» (Requerimiento) کافی بود. در بخشی از قطع‌نامه که از سوی اسقف و مشاور پادشاه خوان لویس ویورو (Juan López de Vivero) صادر شد، آمده است: «اگر سرخ‌پوستان دعوت و بیانیه مبلغان به مسیحی شدن را نپذیرفتند، مقصر اصلی خونریزی‌ها، خودشان هستند و پادشاه و پاپ هیچ مسئولیتی ندارد» (لوسیانو پرنه، ۲۰۰۴، ص ۲۳۷-۲۳۹). خود پادشاه می‌دانست که این قطع‌نامه هیچ فایده‌ای ندارد و فقط در جهت مشروعیت‌بخشی کشتار سرخ‌پوستان صادر شده است. چون واقعیت این بود که سرخ‌پوستان زبان اسپانیایی را بلد نبودند تا بتوانند این قطع‌نامه را بفهمند. در برخی از منابع تاریخی در اجرای این بیانیه گفته شده که بیانیه از عرشه کشتی یا بالای تپه‌ای برای سرخ‌پوستان خوانده می‌شد و بعد یک دفتردار، دعوت را صورت‌جلسه می‌کرد؛ به این بیان که «دعوت از سرخ‌پوستان انجام شد و آنها از آوردن ایمان به مسیح خودداری کردند»؛ بعد بلافاصله دستور کشتار صادر می‌شد. فاتحان اسپانیایی با دستور راهبان، پس از فتح هر منطقه،

سرخ‌پوستی و بومی، آنها تلاش کردند برخی از سنت‌های خود را حفظ کنند و سینه به سینه، آنها را به فرزندان خود منتقل کنند. به همین علت امروزه علی‌رغم اینکه حدود ۵۰۰ سال از مسیحی شدن بومیان می‌گذرد؛ اما شاهد ظهور برخی عقاید و رفتارهای سنتی و بومی در بین آنان هستیم.

ب. تبلیغ گستردهٔ مبلغان مسیحی

یکی از عوامل مهم مسیحی‌سازی بومیان در آمریکای لاتین، تلاش‌های گسترده و طاقت‌فرسای تبلیغی راهبان بود. راهبان مسیحی با مهاجرت از اسپانیا و برخی دیگر از کشورهای مسیحی به این مناطق، تمام عمر خود را وقف تبلیغ مسیحیت کردند. با بومیان و در کنار آنها زندگی کردند؛ سختی‌ها را تحمل کردند تا توانستند بذر مسیحیت را با روش‌های مختلف در این مناطق کشت کنند. پرداختن به روش تبلیغ راهبان، خود یک تحقیق مستقلی است که نیاز به بازخوانی مجدد دارد؛ و به حقیقت می‌تواند الگویی انگیزه‌ساز برای همهٔ مبلغان دینی باشد. در این نوشتار به یکی از فعالیت‌های زیربنایی مبلغان اشاره می‌شود. در طول دوران استعمار، راهبان مسیحی بحث آموزش آموزه‌های دینی مسیحیت را سرلوحه کارهای خود قرار دادند. به دلیل ترسی که راهبان مسیحی از آموزه‌های پروتستان داشتند، به جای یاد دادن مسیحیت با الفبای لاتین، کتاب‌های مسیحیت را به زبان بومی ترجمه می‌کردند. دسترسی سرخ‌پوستان به کتاب مقدس ممنوع بوده است. یکی از علت‌های ممنوعیت کتاب مقدس، مرجعیت رسمی پاپ در تفسیر کتاب مقدس بوده است. این راهبان از نفوذ تفکر پروتستان در این مناطق می‌ترسیدند و شرایط را به گونه‌ای به سمت کاتولیک‌سازی انحصاری مسیحیت سوق دادند. در سال ۱۵۷۹م رهبران فرقه‌های فرانسیسکن، دومینیکن و آگوستینی‌ها، در یک دستورالعمل مشترکی اعلام کردند: «ترجمهٔ کتاب مقدس به زبان‌های سرخ‌پوستی ممنوع است و تنها کتاب‌های تبشیری را می‌توان به زبان‌های سرخ‌پوستی ترجمه کرد» (خکوپو فو، ۱۹۹۳، ص ۲۲۴).

۴. باورهای بومیان و سرخ‌پوستان

مسئلهٔ آموزش در مناطق فتح‌شده، دو طرف داشت؛ یک‌طرف مبلغان مسیحی بودند که انگیزهٔ آنها رساندن پیام کاتولیک بدون هیچ

تصرفی به بومیان بود و طرف دیگر آموزش، بومیان و سرخ‌پوستانی بودند که خود را متعلق به تاریخ و باورهای خود می‌دانستند. مبلغان مسیحی سعی کردند که یک قرائت از مسیحیت، یعنی قرائت کاتولیکی را به بومیان آموزش دهند؛ اما آیا سرخ‌پوستان می‌توانستند به راحتی از باورهای قومی و تمدنی خود بگذرند و باورهای مسیحیت را بدون هیچ دخل و تصرفی بپذیرند؟ پاسخ منفی است. سرخ‌پوستان و بومیان در مواجهه با باورهای مسیحی تلاش کردند باورهای خود را با قرائت مسیحی تفسیر کنند؛ یعنی مسیحیت را به‌عنوان تفسیری جدید بر باورهای خود قبول کردند. در حقیقت، اصل باورها را حفظ کردند و به کمک مسیحیت به یک تفسیر الهی از باورهای خود دست پیدا کردند. مثلاً سرخ‌پوستان و بومیان خدایان پیشین خود را در آموزه‌های مسیحی جست‌وجو می‌کردند. نقش راهبان و مبلغان در مسئلهٔ مسیحی شدن باورهای سرخ‌پوستان را نباید نادیده گرفت. مبلغان از یک‌طرف آشنایی کافی با زبان بومیان نداشتند و از طرف دیگر به قدرت اعتقادی بومیان آگاه شدند. به همین دلیل سعی کردند عقاید مسیحیت را با توجه به زمینه‌های اعتقادی سرخ‌پوستان تفسیر کنند تا زمینه پذیرش برای آنها بهتر فراهم شود.

راهبان مسیحی راه حذف را کم‌کم کنار گذاشتند و راه تبادل و هم‌گرایی را در پیش گرفتند. سعی کردند بر روی همان اعتقادات و باورهای بومی اندیشه‌های مسیحیت را بنا کنند. یکی از تاریخ‌نگاران آمریکای لاتین در این‌باره می‌نویسد: در شهر «کوسکو» (Cusco de Bolivia) کلیسای «سانتو دومینگو» (templo de santo domingo) به جای معبد سرخ‌پوستان ساخته شد. کلیسای جامع مکزیک پس از ویرانی معبد بزرگ ازتک، با همان مصالح، بر روی معبد ساخته شد. رقص مذهبی بومیان در معبد، جایگزین رقص برای خدای پدر شد؛ مریم باکره در این منطقه جایگزین «پاجاماما» (الهه مادر زمین) شد؛ پطرس قدیس جایگزین «کوتا کچی» (آشفشان مقدس) شد؛ پولس قدیس جایگزین «تایتا ایمبابورا» (taita Imbabura) (کوه مقدس)؛ و جشن «سان خوان» (san juan) جایگزین جشن خورشید شد (لوز دل آلبا، ۱۹۹۵، ص ۱۷-۱۸). بنابراین می‌توان گفت باورهای مسیحی بومیان و سرخ‌پوستان آمریکای لاتین، به گونه‌ای مسیحی شدن باورهای بومی آنهاست. در ادامه نشان می‌دهیم که چگونه عناصر اصلی مسیحیت به کمک باورهای بومیان و سرخ‌پوستان، بومی‌سازی شده‌اند.

۴-۱. خدا «پدر ازلی»

یکی از باورهای سرخ‌پوستان و بومیان، اعتقاد به‌خدای پدر بوده است. علی‌رغم اینکه آنان به‌خدایان متعدد در تدبیر این آفرینش اعتقاد داشتند و حتی دو مبدأ و خدای متفاوت برای خیر و شر قائل بودند؛ ولی یکی از خدایان را بالاتر و متعالی‌تر از بقیه خدایان می‌دانستند؛ و معتقد بودند این خدا قابل شناختن نیست. به‌عبارت دیگر، در کنار اعتقاد به تعدد و کثرت خدایان، یک وحدت و توحید پنهانی نیز وجود داشت. بدون شک این اعتقاد به‌خدای پدر، یک زمینه و فرصتی برای راهبان مسیحی به وجود آورد که پدر ازلی مسیحیت را با خدای پدر بومیان تطبیق دهند. گرچه مفهوم خدای پدر ارتباطی با تثلیث مسیحیت نداشت؛ ولی وجود خدایان در مرتبه پایین‌تر، زمینه‌های پذیرش تفکر تثلیثی کاتولیک‌ها را فراهم کرد (دوسل، ۱۹۹۲، ص ۵۸۲).

۴-۲. مریم باکره

یکی از باورهای بومیان و سرخ‌پوستان، اعتقاد به خدایان متعدد است. آنها خدایان را به دو جنس مذکر و مؤنث و براساس کارکرد و نوع فعالیتی که انجام می‌دادند، تقسیم می‌کردند. خدایانی که آنها را در مبارزه با دشمنانشان یاری می‌کردند، خدای مذکر و خدایانی که آنها را در رسیدن به آب و غذا یاری می‌کردند، خدایان مؤنث می‌نامیدند. یکی از خدایانی را که در معابد خود تقدیس می‌کردند «مادر خدا» نام دارد. نخستین مبلغان و راهبان مسیحی برای مسیحی‌سازی باورهای سرخ‌پوستان و بومیان، اندیشه مریم باکره را جایگزین باور «خدایان مؤنث» کردند. به‌همین علت باور به مریم باکره در میان سرخ‌پوستان و بومیان، بدون هیچ مقاومتی مورد قبول قرار گرفت. بدین ترتیب، معابد مسیحی «مریم باکره» جایگزین بسیاری از بت‌کده‌های خدای مادر شد (همان، ص ۵۸۳). یکی از نمونه‌های معروف «باکره کوپاکابانا»ست که کلیسای معروف این باکره در محل یک معبد قدیمی در جنوب دریاچه مقدس «تیکیکاکا» در بولیوی ساخته شد.

۴-۳. عیسی مسیح

در باورهای بومیان و سرخ‌پوستان، خدایان در جایگاه پرستش قرار دارند. حتی آنها برای راضی کردن خدایان، مناسک هدیه دادن و قربانی را به‌وجود آوردند. معابد خاصی را برای پرستش خدایان ساختند. بعد از خدایان، طبقه روحانیون و راهبان، جایگاه عقیدتی خاصی بین باورهای

آنان داشت. اطاعت راهبان ضرورت داشت و سرپیچی از دستورات راهبان، گناهی نابخشودنی محسوب می‌شد. باور به عیسی مسیح، در باور مردم آمریکای لاتین، پایین‌تر از مریم باکره است؛ چون مؤلفه مریم باکره بر مفهوم خدای مادر آنها تطبیق داده شد؛ ولی عیسی در باور بومیان به‌عنوان یک روحانی مقدس شناخته می‌شود. مبلغان مسیحی متأثر از عارفان زمان خود (ترسا اوایلایی، پدر و الکتانارا، خوان دلاکروز) در تبلیغ مسیح به‌جای عنصر رستاخیز، بر جنبه صلیب و فدا شدن او تأکید می‌کردند. همین مسئله سبب شد که مسیحیان سرخ‌پوست، الگوی خود را در مسیحی زجرکشیده و مصلوب و ستم‌دیده جست‌وجو کردند (همان، ص ۵۸۴). نمادسازی و مجسمه‌سازی از باورها در فرهنگ سرخ‌پوستی رایج بوده است. نمادها الزاماً همیشه پرستیده نمی‌شدند؛ بلکه نمادها، نماد یک واقعیت بودند و تداعی‌کننده باورهای آنها محسوب می‌شدند. بومیان براساس فرهنگ نمادسازی خود، صلیب‌های متعددی در کل این منطقه ساختند. «صلیب چالما» که در مکزیک قرار دارد توسط راهبان آگوستینی در سال ۱۵۷۳ در مکان بت‌ها ساخته شد (همان، ص ۵۸۵).

۴-۴. قدیسان

قدیسان جایگاه خاصی در بین مسیحیان داشتند. قدیسان را ارباب می‌نامیدند. آنها را نگهبان شهر خود می‌دانستند. هر شهر و منطقه، هر کلیسا و هر دیری، هر قبیله و ملیتی، متعلق به یک ارباب از میان قدیسان یا قدیسه‌ها بود. برای نمونه در اسپانیا «قدیس سانتیاگو» به روایت افسانه‌های اسپانیا و مکاشفات جنگجویان مسیحی، نماد جنگ با مسلمانان بود (همان، ص ۵۸۹).

مراسم جشن ویژه‌ای برای آنها برگزار می‌کردند. به‌عبارت دیگر قدیسان را منشأ خیرات و برکت در زندگی خود می‌دانستند. مبلغان و راهبان مسیحی با مواجه شدن با باورهای سرخ‌پوست متوجه شدند که سرخ‌پوستان و بومیان توت‌هایی دارند که هر قبیله به اسم یکی از آنها شناخته می‌شد. هنگامی که فاتحان اسپانیایی به آمریکای لاتین رسیدند، می‌دیدند که سرخ‌پوستان نیز «توت‌های» مشابه دارند که هر گروه و قبیله با نام یکی از ایشان شناخته می‌شود. به‌علت کارکرد مشترکی که بین اعتقاد به قدیسان و توت‌ها وجود داشت؛ اعتقاد به توت‌ها زمینه‌ای برای پذیرش باور به قدیسان را فراهم کرد. باور به «اله رعد» و «خدای جنگ» جای خود را به اعتقاد به سانتیاگو داد (دل کاستیثو، ۱۹۵۵، ص ۱۲۶).

انسان را تهدید می‌کند از همین مبدأ شر صادر می‌شود. برای شر، یک خدا قائل بودند. برای نجات از خدای شر، به‌خدای خیر پناه می‌آوردند، تا خدای خیر از آنها محافظت کند. مبلغان و راهبان مسیحیت از همین باور به ترس از نیروهای شر، استفاده کردند و مفهوم شیطان را توضیح دادند. مبلغان مسیحی به مردم آموزش دادند که بهترین وسیله برای فراری دادن شیطان و نیروهای شر، دعا‌های کلیسایی و توسل به صلیب است (همان، ص ۵۹۱).

هر کدام از این باورها دستگاه سلوکی و رفتاری خاصی را به‌دنبال داشت. با مسیحی‌شدن باورها، نوع رفتارها و سلوک بومیان نیز جهت مسیحی پیدا کرد. مثلاً مسیحیان بومی برای دفاع از خود در مقابل نیروهای شر، به‌جای پناه آوردن به بت‌های خدایان خیر و معابد، به صلیب، کلیسا و توسل به خدای پدر پناه آوردند. البته پرداختن به شباهت‌های سلوک عملی بومیان قبل از مسیحیت و بعد از مسیحی‌شدن نیاز به یک پژوهش مستقل دارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به دوره اول از حیات اجتماعی مسیحیت و آغاز ورود مسیحیت در منطقه آمریکای لاتین، می‌توان گفت که:

۱. مسیحیت توسط راهبان و مبلغان اسپانیایی و با هماهنگی پاپ رومی با پادشاه اسپانیا وارد منطقه آمریکای لاتین شد. رویکرد فاتحان، رویکرد فتح و غلبه بود و طبیعی بود که برای تصرف منابع بومیان و سرخ‌پوستان، برخورد آنها بسیار خشن باشد. راهبان و مبلغان مسیحی به‌تبع فاتحان، رویکرد خشن در مسیحی‌سازی را دنبال کردند. پیش‌فرض مبلغان این بود که بومیان و سرخ‌پوستان این منطقه از نژادی پست و بدون فرهنگ و تمدن هستند؛ به‌همین علت نمی‌توان از راه‌های مسالمت‌آمیز و اخلاق، آنها را به مسیحیت دعوت کرد. برخی از جنایات فاتحان در آمریکای لاتین، با حکم شرعی مبلغان انجام می‌شد.

۲. مسیحیت در سرزمینی قدم گذاشت که مردم آن سرزمین از تمدن‌ها و فرهنگ‌های مذهبی بزرگی برخوردار بودند. باورهای مذهبی و اعتقادی و سلوک رفتاری مذهبی مشترک و متفاوتی بین بومیان وجود داشت. اعتقاد به خدایان متعدد، اعتقاد به خدای هستی‌بخش، اعتقاد به مبدأ شر و خیر و اعتقاد به جهان بعد از مرگ، از باورهای مشترک بومیان این منطقه محسوب می‌شد.

پطرس و نویسندگان اناجیل اربعه نیز از جایگاه خاصی در زندگی روزانه بومیان برخوردار شدند. قدیسان را سبب برکت یافتن زندگی و نگهداران زندگی خود می‌دانستند. هر قوم و هر قبیله‌ای به یکی از این قدیسان متوسل می‌شد و به‌گونه‌ای زندگی اجتماعی و فردی خود را به آن قدیس نگهبان می‌سپردند (دوسل، ۱۹۹۲، ص ۵۸۹).

۴-۵. مردگان

اعتقاد به جهان بعد از مرگ، یکی از باورهای مشترک همه اقوام و تمدن‌های بومی در آمریکای لاتین بوده است. این اعتقاد که زندگی انسان با مرگ تمام نمی‌شود و بعد از مرگ به‌گونه‌ای دیگر حیاتش ادامه خواهد داشت، زمینه‌ساز وجود آمدن سلوک خاصی در آداب احترام به مردگان شد (دیروس، ۱۹۹۲، ص ۱۸۳).

دعای مردگان که در آمریکای لاتین متداول بود، با صورت آواز و با آهنگ ویژه، با «الهه مرگ، نجوا می‌شود، نوع اعتقاد بومیان به مسئله مرگ را نشان می‌دهد: «بیا ای مرگ؛ چقدر خود را پنهان می‌کنی؛ می‌دانم که آمدن برای ناراحت‌کننده نیست؛ چقدر زیباست لذت مردن؛ ولی هنوز نصیب من نشده است؛ ای مرده، بیا در غم‌های من شریک شو؛ بیا که امید من به توست؛ بیا جانم را بستان؛ بیا با سکوت عمیق مرا از این دنیا ببر؛ بیا ای مرگ، چقدر تو تنهایی» (کاریسو، ۱۹۴۴، ص ۷۲۰). بومیان به‌همین دلیل به مردگان احترام می‌گذاشتند؛ آنها را در جاهای خاصی دفن می‌کردند؛ در کنار قبر آنها حاضر می‌شدند و هدایایی را به آنها تقدیم می‌کردند.

این اعتقادات و باورها، زمینه پذیرش باورهای مسیحی نسبت به مرگ و جهان بعد از مرگ و سعادت و شقاوت اخروی را فراهم کرد. گرچه تفسیر باورهای بومی درباره جهان پس از مرگ، شبیه تناسخ است؛ اما درباره کیفیت جهان پس از مرگ، ابهامات زیادی وجود دارد. نکته اساسی این است که در همین تناسخ، مسئله سعادت و شقاوت بعد از مرگ، به‌گونه‌ای خاصی تعریف شده است. مثلاً براساس باور سرخ‌پوستان «ینکا»، روح مرده برای رسیدن به بهشت باید آزمایش‌های ویژه‌ای در جهان مردگان بگذراند (دوسل، ۱۹۹۲، ص ۵۹۰).

۴-۶. شیاطین

یکی از باورهای مشترک بومیان و سرخ‌پوستان آمریکای لاتین، مسئله مبدأ شر است. آنها معتقد بودند که همه خطرهایی که زندگی

Deiros, Pablo Alberto, 1992, *Historia del cristianismo en America latina*, Argentina. Buenos aires: fraternidad teológica latinoamericana.

Del castillo, bernal d'az, 1955, *Historia verdadera de la conquista de la nueva España*, Argentina, buenos Aires, espasa calpe argentina.

Dussel, Enrique, 1992, *Historia de la iglesia en América latina Medio milenio coloniaje y liberación 6th edición*, España, Madrid. Mundo negro esquila misional.

Dussel, Enrique, 1992, *Historia de la iglesia en América latina*, introducción general, España, Madrid.

Edwards, John, Ferdinand and Isabella, 2005, *England*, London, Pearson education & Longman.

Edwards, Peters francis, 1994, *the monotheists, jews, christians, and muslims in conflict and competition*, U.S. A, New jersey. francisco, Castilla urbano, 1992, *el pensamiento de francisco de vitoria*, filofia política e indio Americano.

Friedrich, Katz, 2004, *the ancient american civilizacions*, U.S.A, New York, Booksales.

Gonzalo Fernández, De Oviedo, 1855, *Historia generaly Natural de las indias*, islas tierra firme del mar océano, Tercera parte, editor José amador de los ríos, España, Madrid.

Greenleaf, Ricgard Edward, 1971, *The Roman Catholic Church in colonial Latin America*, U.S.A, New York, Catholic Church Publisher.

Henri, HARRISSE, 1897, *the diplomatic history of America*, England, London, b.f.stevens.

Henri, Lehmann, 1964, *las culturas precolombianas*, Argentina, buenos Aires. editorio EUDEBA.

Jacopo fo, 2002, *Laura malucelli, Sergio tomat*, Fi libro nero del cristianesimo, Duemila anni di crimini nel nome di dio.

Luccoano pereña, vicente, 1992, *la idea de justicia en la conquista de america*, España. Madrid: Mapfre.

Luz del alba, moya, 1995, *Introducción: la fiesta religiosa indígena en Ecuador*, Volúmenes 22-34 de pueblos indígenas y educación, numero monográfico Editorial Abya, ecuador, quito.

Oroza Diaz, Jaime, 1984, *Historia de yucatan, mexico, merida*, yucatan, Univercidad autonoma de Yucatan.

Pablo Alberto, Deiros, 1992, *Historia del cristianismo en América Latina*, Argentina, Buenos Aires, fraternidad teología latinoamericana.

Prescot, William hickling, 1964, *the conquest of mexico*, U.S.A, Nueve York, bantam books.

Robertson, William spence, 1827, *Historia de america, traductor bernadino de amatí*, france, burdeos, editorial Pedro beaume.

Soustelle, jasques, 1956, *la vida cotidiana de los aztecas en vísperas de la conquista*, México, Fondo de cultura económica.

Torviso, bango, 1995, *Edificios e imágenes medievales, Historia y significado de las formas, Historia de España*, Madrid, editorial temas de hoy.

Vallant, gerge clapp, 1944, *la civilización azteca*, mexico, fondo de cultura económica.

William Hickling, Prescott, 1877, *History of the conquest of persu*, U.S.A, filadelfia, J.B, lippincottm.

۳. علت‌های مختلفی در مسیحی شدن سرخ‌پوستان و بومیان آمریکای لاتین توسط مورخان ذکر شده است. از بین رفتن تمدن سرخ‌پوستی توسط فاتحان و تبلیغ گسترده مبلغان را دو عامل مهم در مسیحی‌سازی آنها می‌توان برشمرد. اما اصلی‌ترین علت را باید در باورها و عقاید آنها جست‌وجو کرد. مبلغان و راهبان مسیحی، اندیشه‌های مسیحی را بر مؤلفه‌ها و باورهای بومی تطبیق دادند و از طریق مسیحی‌سازی اعتقادات بومی، توانستند بومیان را به آیین مسیحیت وارد کنند. ما در این نوشتار به بخشی از فرایند مسیحی‌سازی مؤلفه‌های بومی و مذهبی سرخ‌پوستان اشاره کردیم.

۴. با توجه به قدرت سیاسی و نظامی که مبلغان را همراهی می‌کرد، آنها موفق شدند بومیان این منطقه را مسیحی کنند و بعد از چند دهه شهرهایی با فرهنگ و ساختار مسیحی در این مناطق بسازند. به‌همین علت دوره اول ورود مسیحیت به آمریکای لاتین، یک دوره موفق برای پاپ و تبلیغ کلیسای کاتولیک محسوب می‌شود.

منابع

الدر، جان، ۱۳۴۹، *تاریخ کلیسای مسیح از سال ۱۶۰۰ تا ۱۹۷۰ میلادی*، ترجمه و. سسیمونیان، تهران، نور جهان.

پندل، جورج، ۱۳۵۷، *تاریخ آمریکای لاتین*، ترجمه منوچهر پوریان خیر، تهران، اردیبهشت.

Alejandro VI, 1987, *Cloulas, ivan, les borjia*, francés, paris, fayard.

Antonino, Tibesar, 1991, *Comienzos de los franciscanos en el Perú*, lima, Iquitos.

Antonio, Estrada, juan, 1992, *Las contradicciones de la evangelización de américa*, España, bivilbao.

Barrio gózalo, Maximiliano, 2010, *El clero: en el España moderna*, España, cordoba: publisher CSIC-san pablo.

Benedicto, Villagrancia, j, 1931, *Bosquejo de la Historia de las Religiones de la America*, Escuela de Artes y oficios, Argentina Jujuy.

Borges, pedro, 1991, *Historia de la iglesia en hispanoamerica y filipinas I*, biblioteca de autores cristianps, España, Madrid.

Carrizo, juan Alfonso, 1944, *El tema de la invocación de la muerte*, Argentina, buenos Aires.Ñ la Academia de letras.

De Madrigal, Salvador, 1948, *the fall of the Spanish American empire*, U.S.A, New York, Masmillan.